

# گزارشی از پایان نامه

## «مطالعه انتقادی مبانی و روش‌های خاورشناسان در تاریخ‌گذاری احادیث اهل سنت»

احسان‌الله درویشی\*

### چکیده

تاریخ‌گذاری حدیث از مسائل جدید حدیث‌پژوهی غربی به شمار می‌آید. پایان‌نامه «مطالعه انتقادی مبانی و روش‌های خاورشناسان در تاریخ‌گذاری احادیث اهل سنت» با هدف آشنایی با حدیث‌پژوهی غربی و تحلیل دستاوردهای علمی آنان به مطالعه انتقادی مبانی و روش‌های خاورشناسان در تاریخ‌گذاری احادیث اهل سنت پرداخته است. بررسی این موضوع افزون بر آمادگی برای رویارویی و تعامل علمی با حدیث‌پژوهان غربی، گامی در جهت تعمیق اعتبارسنجی احادیث خواهد بود. این پایان‌نامه در فصل نخست، کلیات، در فصل دوم، مبانی تاریخ‌گذاری خاورشناسان را در دو بخش خاستگاه و سیر تطوّر حدیث و در فصل سوم، روش‌های تاریخ‌گذاری را از دو منظر روش‌های بیرونی و درونی مورد نقد و تحلیل قرار داده است.

**واژگان کلیدی:** تاریخ‌گذاری حدیث، روش‌های تاریخ‌گذاری، مبانی تاریخ‌گذاری، حدیث‌پژوهی غربی، نقد خاورشناسان.

## درآمد

«تاریخ‌گذاری احادیث» در مطالعات خاورشناسان به معنای تعیین خاستگاه، نحوه شکل‌گیری و انتقال احادیث است. حدیث در نگاه خاورشناسان، متنی کهن و منبعی تاریخی است و هدف غربی‌ها در تاریخ‌گذاری احادیث، تعیین قدمت و اصالت تاریخی احادیث است تا از رهگذر آن، تاریخ صدر اسلام را بازسازی نمایند. در مقابل، مسلمانان حدیث را متنی مقدس و منبع دین می‌دانند و هدف آنان در حدیث‌پژوهی، تعیین حجیت و اعتبار شرعی حدیث است. تاکنون مطالعات خاورشناسان بر احادیث اهل سنت متمرکز بوده، اما این جریان دگراندیش به حدیث شیعه نیز روی آورده است. از این رو شناخت مبانی و روش‌های خاورشناسان در تاریخ‌گذاری و تحلیل میزان کارآمدی روش‌های آنان ضروری است. تأیید یا ردّ نتایج خاورشناسان بدون آشنایی با سبک حدیث‌پژوهی غربی ممکن نخواهد بود.

پایان‌نامه «مطالعه انتقادی مبانی و روش‌های خاورشناسان در تاریخ‌گذاری احادیث اهل سنت»، مبانی و روش‌های خاورشناسان در تاریخ‌گذاری احادیث اهل سنت را تشریح نموده و به نقد و بررسی آن‌ها پرداخته و بر اساس گردآوری و بهره‌گیری از منابع مکتوب و دیجیتال، تدوین شده است. نویسنده کوشیده است تا تحقیقی جامع و به دور از پیچیدگی ارائه نماید. جامعه علمی داخل کشور به این پدیده واکنش نشان داده و به معرفی و نقد تاریخ‌گذاری غربی روی آورده‌اند که افزون بر ترجمه و گزارش مقالات غربی، نام چند رساله دکتری نیز در این زمینه به چشم می‌خورد:

- «نقد و بررسی پژوهش‌های حدیثی هارالد موتسکی»، دکتر فروغ پارسا. در این رساله، دیدگاه‌های حدیثی هارالد موتسکی بررسی و گزارشی از مطالعات حدیثی خاورشناسان ارائه شده است. این رساله بعد از مقداری تغییرات با عنوان «حدیث در نگاه خاورشناسان» به چاپ رسیده است.
- «تاریخ‌گذاری روایات اسلامی بر پایه اسناد و متن: تحلیل، مقدمات و روش‌ها»، دکتر سید علی آقایی. این رساله پیش‌فرض‌های روش تاریخ‌گذاری ترکیبی در تحلیل اسناد و متن را بررسی کرده و پس از تحلیل روش، اعتبار روش و نتایج حاصل از آن نقد شده است. این رساله، افزون بر گزارش تاریخ‌گذاری از منظر غربی، ویژگی‌های حدیث‌پژوهی اهل سنت در سده‌های نخستین را نیز بازخوانی کرده است.
- «نقد و بررسی مبانی و روش‌های حدیث‌پژوهان غربی در تاریخ‌گذاری روایات بر اساس متن»، دکتر سعید شفیعی.

در این رساله، مبانی و روش‌های حدیث‌پژوهان غربی در تاریخ‌گذاری روایات بر اساس متن، تحلیل و نقد شده است. این نوشتار افزون بر تحلیل روش متنی گلدتسیهر، شاخت و اسپیت، روش متنی ونزبرو، آلبرشت نوت، کُنراد، اشتیتر و شولر را نیز بررسی نموده است. تحلیل جامع روش متنی، ناکافی بودن این

روش را به‌خوبی نشان داده است.

- «تاریخ‌گذاری روایات مذمت حضور اجتماعی زنان در روایات اسلامی بر اساس تحلیل اسناد و متن»، دکتر معصومه زین‌العابدین.

این رساله با بهره‌گیری از روش‌های تاریخ‌گذاری غربی در کنار روش‌های عالمان مسلمان در نقد متن و سند، روایات «مذمت حضور اجتماعی زنان» را تاریخ‌گذاری نموده است. نویسنده کوشیده با تاریخ‌گذاری بیش از ۴۵ روایت - از کتاب‌های شیعه و سنی - سیر ظهور و دلایل بروز آن‌ها را شناسایی نماید. نتایج رساله در بخش ملاک‌های تاریخ‌گذاری قابل توجه است.

نوشتار پیش رو گزارشی کوتاه از پایان‌نامه‌ی یاد شده با راهنمایی حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر محمدکاظم رحمان‌ستایش و مشاوره حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر محمدحسین بهرامی است که برای مقطع سطح سه حوزه علمیه قم نگاشته شده و در شهریور ماه ۱۳۹۵ با داوری حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر علی راد، موفق به دفاع و کسب نمره عالی گردیده است.<sup>۱</sup>

این گزارش در دو بخش سامان یافته است. در بخش نخست ساختار و در بخش دوم محتوای نگاشته به تفکیک فصل‌ها و با رعایت اختصار گزارش می‌شود.

## ۱. گزارش ساختار

ساختار در هر نگاشته علمی، تأثیر بسزایی در دستیابی به اهداف آن دارد. از سوی دیگر، ساختار برآمده از مطالعات پیشینی، روند پژوهش را هموارتر ساخته و زوایای پنهان موضوع را آشکار می‌سازد. فصل نخست پایان‌نامه، ابتدا به مفاهیم پژوهش - خاورشناسی، رویکردهای خاورشناسان، تاریخ‌گذاری حدیث، حدّ زمانی و برهان سکوت - پرداخته و در کلیات نیز جایگاه تاریخ‌گذاری در حدیث‌پژوهی غربی، جایگاه تاریخ‌گذاری در علوم حدیث و محدوده تاریخ‌گذاری احادیث تبیین شده است. در فصل دوم، مبانی خاورشناسان بر اساس ساختار تحقیق تاریخی در دو حوزه خاستگاه و سیر تطوّر، بررسی و نقد شده است. همچنین در هر حوزه، گزارشی جامع از مسائل مهم آن ارائه شده است؛ بدین ترتیب که در بخش مبانی خاورشناسان در خاستگاه حدیث، نفی اصالت وحیانی و نفی اصالت تاریخی و در بخش مبانی خاورشناسان در سیر تطوّر حدیث، دیدگاه‌های آنان درباره کتابت و سند حدیث نقد

---

۱. به رسم تقدیر، از زحمات اساتید گران‌قدر راهنما و مشاور و همچنین داور محترم، که با صبر و حوصله در نقد و راهنمایی مرا یاری کردند، کمال تشکر را دارم. شایسته است از زحمات دکتر سعید شفیعی و پشتیبانی مرکز تخصصی و پژوهشکده حدیث حوزه و به‌خصوص استاد محترم، حجت‌الاسلام و المسلمین محمدمهدی احسانی‌فر و دوستان گرامی حجج اسلام آقایان حسین خلجی و حسین محققیان سپاس‌گزاری و قدردانی نمایم.

بررسی شده است.

در فصل سوم، پیش از بیان انواع روش‌های تاریخ‌گذاری، شواهد تاریخی توضیح داده شده است؛ زیرا شاهد تاریخی، شناخت بهتر مخاطب از ماهیت تاریخ‌گذاری را فراهم می‌سازد. در ادامه با توجه به نوع شاهد تاریخی - بیرونی یا درونی - علاوه بر روش‌های درونی تاریخ‌گذاری، روش‌های بیرونی تاریخ‌گذاری نیز با تفصیل بیشتری مطرح و نقد شده است. نگاه تاریخی به حدیث بر ساختار پایان‌نامه حاکم است؛ در نتیجه تحقیق از مسیر اصلی خود - که بررسی حجیت تاریخی حدیث است - خارج نشده و تمام زوایای موضوع با چپشی منطقی، نمایان خواهد شد.

پایان‌نامه با احتساب نتیجه‌گیری و کتاب‌نامه در ۱۵۹ صفحه سامان یافته است. در نگارش پایان‌نامه، نزدیک به ۱۲۰۰ فیش و سند جمع‌آوری شده و نام ۳۰ کتاب و ۵۳ مقاله در بخش منابع آمده است، هر چند منابع مطالعاتی بیش از این مقدار بوده است.

## ۲. گزارش محتوا

رسالت این پایان‌نامه مطالعه انتقادی - بررسی همراه با نقد - مبانی و روش‌های خاورشناسان در تاریخ‌گذاری احادیث اهل سنت بوده است. از این‌رو پس از فصل نخست که به مفاهیم و کلیات پرداخته، در فصل دوم و سوم به ترتیب، مبانی و روش‌های خاورشناسان را مورد مطالعه انتقادی قرار داده است. در ادامه، محتوای فصل‌ها گزارش می‌شود.

### ۲-۱. گزیده فصل نخست

در ابتدای این فصل، مفاهیم ضروری پژوهش تبیین شده است. تعریف برگزیده این نوشتار از خاورشناسی، این‌گونه است:

خاورشناسی رویکردی است که پدیده‌های برآمده از شرق را بر پایه مبانی و سبک فکری دنیای غرب می‌نگرد.

تاریخ‌گذاری نیز به تعیین خاستگاه پیدایش، چگونگی انتقال و نشر حدیث تعریف شده است. نویسنده در کلیات، جایگاه تاریخ‌گذاری در حدیث را چنین شرح داده است:

تاریخ‌گذاری حدیث پدیده‌ای غربی است، اما می‌توان آن را از دو جهت در هندسه علوم حدیث مورد توجه و تطبیق قرار داد:

- تاریخ‌گذاری حدیث از آن جهت که درصدد تعیین ارزش تاریخی احادیث است، به نقد و ارزیابی احادیث می‌پردازد. از این‌رو به «نقد حدیث» شباهت‌های زیادی دارد. تفاوت اساسی این دو، در نوع نگاه به احادیث آشکار می‌شود. مسلمانان احادیث را منبع دین می‌دانند؛ در نتیجه سنجش حجیت شرعی حدیث به‌عنوان متنی مقدس، دغدغه اصلی در نقد حدیث است. در مقابل، خاورشناسان احادیث را مهم‌ترین منبع تاریخ اسلام می‌پندارند؛ از این‌رو تنها سنجش اعتبار تاریخی احادیث به‌عنوان مدارک تاریخی، محل توجه و اهتمام آنان در

تاریخ‌گذاری احادیث است.

- تاریخ‌گذاری حدیث در بررسی خاستگاه و سیر تطوّر حدیث، مسائلی از قبیل تاریخچه کتابت حدیث، منع تدوین حدیث، نظام اسناد و راویان حدیث را مورد توجه قرار می‌دهد. بسیاری از این مسائل در علوم حدیث تحت عنوان «تاریخ و منابع حدیث» بررسی می‌شوند. تفاوت اساسی این دو موضوع نیز به روش پژوهشی خاورشناسان بازمی‌گردد. در تاریخ حدیث، خاستگاه و پیدایش حدیث، قدسی است و انتقال حدیث نیز مسیری امن را پیموده است؛ هر چند در این مسیر با برخی دشمنی‌ها، کاستی‌ها و سودجویی‌ها مواجه بوده، اما تاریخ‌گذاری غربی بر اساس نگاه باستان‌شناسانه به حدیث و تکیه بر شکاکیت تاریخی، به دنبال کشف شرایط عینی و ذهنی پدیدآورندگان و سازندگان مدارک تاریخی (احادیث) است. در دیدگاه خاورشناسان تعبد معنا ندارد و باید همه چیز بر اساس اصول علمی و تاریخی اثبات شود.

## ۲-۲. گزیده فصل دوم

این فصل به مطالعه انتقادی مبانی خاورشناسان اختصاص یافته است. نگاه تاریخی خاورشناسان به احادیث، نتایج متفاوتی در مطالعات حدیثی داشته؛ به‌گونه‌ای که در برخی از موارد، گروهی از مسلمانان را نیز به تجدید نظر در مبانی دینی سوق داده است. شکوفایی علم تاریخ، علاوه بر تأثیرات عمیقی که در شکل‌گیری اندیشه تاریخ‌بنیاد اروپایی نهاد، مباحث حدیثی خاورشناسان را نیز دچار فرآیند ویژه‌ای نمود. نقش مبانی تاریخ‌گذاری احادیث، علاوه بر دسته‌بندی میان خاورشناسان و صف‌آرایی با مسلمانان، در انتخاب روش‌های گوناگون تاریخ‌گذاری پدیدار می‌شود. این مبانی را می‌توان در دو حوزه کلی «مبانی مربوط به خاستگاه حدیث» و «مبانی مربوط به سیر تطوّر حدیث» سامان داد، زیرا خاورشناسان حدیث را به‌عنوان پدیده‌ای تاریخی مورد بررسی قرار می‌دهند و در هر تحقیق تاریخی، توصیف و تبیین ظهور پدیده تاریخی و خاستگاه آن و نیز، توصیف و تبیین سیر تطوّر پدیده تاریخی اهمیت فراوانی دارد. مبانی خاورشناسان در خاستگاه حدیث دربرگیرنده نفی اصالت وحیانی احادیث و نفی اصالت تاریخی احادیث است. در سیر تطوّر حدیث نیز خاورشناسان مبانی خاصی درباره کتابت و سند حدیث برگزیده‌اند. در بخشی از پایان‌نامه چنین آمده است:

خاورشناسان ناگزیر بوده‌اند که تحقیقات خود را بر اساس الگوهای برآمده از گفتمان‌های مختلف علمی، فلسفی و روش‌شناختی غرب ارائه دهند. نقد اساسی مبانی خاورشناسی نیز از همین گفتمان‌ها سرچشمه می‌گیرد. آیا می‌توان گفتمان‌های تولد یافته در بستر الهیات مسیحی را بر متون اسلامی تطبیق داد؟ آیا روش‌هایی که در مطالعات عهدین ظهور یافته‌اند در مطالعات اسلامی کارایی دارند؟ آیا می‌توان از مبانی فکری و زیربنای فلسفی خاورشناسان چشم‌پوشی کرد؟

نویسنده تلاش کرده است تا به دور از انگیزه‌خوانی یا تعصبات دینی و بر اساس گفتمان مشترک به

نقد مبانی خاورشناسان بپردازد؛ به همین دلیل از نقدهای خاورشناسان بر یکدیگر بیشترین بهره را برده است.

### ۳-۲. گزیده فصل سوم

این فصل پایان‌نامه به مطالعه انتقادی روش‌های خاورشناسان در تاریخ‌گذاری می‌پردازد. نویسنده آشنایی با ماهیت شواهد تاریخی را برای تحلیل بهتر تاریخ‌گذاری ضروری دانسته، از این‌رو انواع شواهد مورد استفاده مورخان را در ابتدای این فصل تبیین نموده است. نگاه خاورشناسان به تاریخ و منابع اسلامی در دسته‌بندی شواهد در تاریخ‌گذاری احادیث بسیار ثمربخش است. بر اساس همین نگاه، روش‌های تاریخ‌گذاری به دو دسته «تاریخ‌گذاری بیرونی» و «تاریخ‌گذاری درونی» دسته‌بندی می‌شوند. ملاک بیرونی بودن روش تاریخ‌گذاری، خارج بودن شواهد تاریخ‌گذاری از متن یا سند حدیث است. باید توجه داشت که حدیث در نگاه تاریخی خاورشناسان، معنای گسترده‌ای دارد و شامل موارد ادبی کهن نیز می‌شود. در نگاه تاریخی، مجموع سند و متن مدرک تاریخی را تشکیل می‌دهند؛ بنابراین سند حدیث از متن آن جدایی‌ناپذیر است. روش‌های درونی تاریخ‌گذاری نیز روش‌هایی دانسته شده که از اطلاعات موجود در خود احادیث - متن و سند - استفاده می‌کنند.

خاورشناسان در تاریخ‌گذاری بیرونی از شواهد بیرونی متنوعی بهره گرفته‌اند. تاریخ‌گذاری بر اساس شواهد باستان‌شناسی، داده‌های تاریخی و تاریخ عناصر متنی حدیث، نمونه‌هایی از تلاش‌های خاورشناسان در تاریخ‌گذاری بیرونی احادیث است. روش تاریخ‌گذاری بیرونی، بر پایه شواهد خارج از متن یا سند حدیث استوار است. شواهد بیرونی تاریخ اسلام در تاریخ‌گذاری قابل استفاده هستند، اما کمبود این منابع از یک‌سو و شیوه خوانش و چینش آن‌ها از سوی دیگر، کاربرد این شواهد را با مشکل مواجه ساخته است. به نظر می‌رسد خاورشناسان شکاک، تنها با استفاده از این روش، راه به‌جایی نمی‌برند.

نخستین قرینه یا شاهد در تاریخ‌گذاری درونی، تاریخ‌گذاری بر اساس نخستین منبع ناقل حدیث است. این روش تنها در صورت «تاریخ‌بردار بودن» منبع قابل استفاده است. خاورشناسان در تاریخ‌گذاری بر اساس متن یا تاریخ‌گذاری متن محور از شیوه‌های گوناگونی بهره گرفته‌اند. دامنه گسترده‌ای از مباحث نقد محتوایی، نقد صوری، نقد سنتی و ... در این روش دیده می‌شود. هر یک از این روش‌ها با کاستی‌هایی همراه است. «حلقه مشترک»، پایه اصلی روش تاریخ‌گذاری بر اساس تحلیل اسناد را تشکیل می‌دهد. تفسیر جایگاه حلقه مشترک در نتیجه تاریخ‌گذاری، تأثیر بسزایی دارد. روش تاریخ‌گذاری سندی علاوه بر اشکال و نقد در مبانی نظری، کاستی‌های عملی و ابهامات زیادی در خود دارد. تاریخ‌گذاری بر اساس تحلیل ترکیبی اسناد و متن نیز با امکانات و محدودیت‌هایی همراه است.

نتیجه آن‌که، مبانی خاص خاورشناسان، نتایج متفاوتی در حدیث‌پژوهی و تاریخ‌گذاری احادیث اهل سنت پدید آورده است. هر یک از روش‌های تاریخ‌گذاری نیز با چالش روبرو بوده و در غالب موارد، نتایج به دست آمده از این روش‌ها، قطعی نیستند. اختلاف خاورشناسان در کارایی و محدوده هر یک از روش‌ها

نشان می‌دهد، تاریخ‌گذاری احادیث نیازمند توجه بیشتر به فرهنگ حدیثی اهل سنت و پرهیز از پیش‌داوری است. این سخن به معنای نادیده گرفتن تلاش‌های خاورشناسان و دستاوردهای درخور توجه آنان نیست؛ بلکه تنها یادآور این نکته است که تاریخ‌گذاری حدیث نیازمند بررسی نقادانه و بومی‌سازی است.

